مقاله

بازخوانی ۱۰ پیامد قیام ۱۹ دی مردم قم

قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم، آغازگر تحولی اساسی و بنیادین در نهضت اسلامی بود که با برگزاری چهلم‌ها به پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی انجامید. این قیام علاوه بر اینکه به روند مبارزه سرعت بخشید و به هویت اصلی انقلاب اسلامی جهت داد، پیامدهای دیگری را نیز در پی داشت که از جمله مهم‌ترین آن، می‌توان به آشکارشدن چهره واقعی رژیم پهلوی و برملاشدن واقعیت شعار حقوق بشر آمریکایی، بسط نفوذ و محبوبیت امام خمینی ﷺ، قطع امید از سازمان‌ها و احزاب سیاسی و ... اشاره کرد.

قیام ۱۹ دی طی این ۱۳ ماه، علاوه بر اینکه به روند مبارزه سرعت بخشید و به هویت اصلی انقلاب اسلامی جهت داد، پیامدهای دیگری را نیز در پی داشت که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

• ۱. سرعت بخشیدن به روند انقلاب اسلامی

فرصت تاریخی برای یکسره‌کردن کار رژیم پهلوی با قیام ۱۹ دی فراهم شد. به‌طور کلی این قیام به چند دلیل در سرعت‌بخشیدن به روند انقلاب اسلامی تأثیر شگرف و عظیمی داشت. یکی اینکه سکوت را در هم شکست، دوم اینکه باعث بسیج مردم شد، سوم اینکه جرأت و شجاعت مبارزه علنی را دوچندان کرد و چهارم اینکه تسلسل قیام‌ها را ایجاد کرد.

همه اینها باعث شد تا اعتراضات و مخالفت‌های عمومی که با رهبری و هدایت لحظه به لحظه امام خمینی ﷺ سازماندهی و تجهیز و تشجیع می‌شد، بنیاد رژیم را که شادمان و سرمست فخر و شکوه و شوکت بود، در هم فرو بریزد و این نتیجه ناچیزی نبود. بعد از این قیام، موج انقلاب مهارنشدنی شد؛ کاسه لبریز را سرازیر کرد؛ عامل تشدید انقلاب شد؛ منجر به آغاز دور تسلسلی به‌ظاهر بی‌پایان از تظاهرات و سرکوب‌هایی شد که شاه را تضعیف و نابود کرد؛ مراسم بعدی جنبه سراسری به خود گرفت؛ چرخ انقلاب اسلامی با سرعت منهدم‌کننده‌ای به حرکت درآمد و ...، از جمله تعبیرهایی است که برخی از نویسندگان، درباره اثرات و نتایج اساسی قیام ۱۹ دی مدعی شده‌اند.

• ۲. جهت دادن به هویت اصلی انقلاب اسلامی

قیام ۱۹ دی بر همگان آشکار ساخت که هویت نهضت و قیام، «اسلامی» است. اگر در ۱۵ خرداد ۴۲، رهبر مبارزه و نهضت با استبداد و سلوک غیراسلامی رژیم به نبرد برمی‌خیزد، اگر در ۱۳ آبان ۴۳، ماهیت ضد آمریکایی و ضد استعماری رژیم هویدا می‌شود و اگر در پاسداشت و تجلیل از شهادت حاج سیدمصطفی، عواطف و عشق مردم به روحانیت و امام آشکار می‌شود، در ۱۹ دی ۵۶ اعتقاد و باورهای اسلامی مردم به منصه ظهور می‌رسد.

در این واقعه نشان داده می‌شود که مردم بی‌احترامی به مقام مرجعیت و رهبری نهضت را برنمی‌تابند؛ لذا پیوند ارزشی و اعتقادی مردم و ولایت ناگسسته باقی می‌ماند.

در قیام ۱۹ دی، یک اصل مسلم تجلی و بروز پیدا می‌کند و آن، تبدیل مخالفت و دشمنی با اسلام و ولایت به شورش و انقلاب است. هرگاه به این حریم تاخته شود، مردم با جان و دل بپا می‌خیزند. بیداری‌ها و هوشیاری‌های مردم در وجود اصلی ولایت نهضت است. وقتی به امام ﷺ توهین می‌شود، مردم متدین و مذهبی قم، به رهبری طلاب و روحانیون انقلابی قیام می‌کنند. انگیزه قیام و هدف مبارزه کاملاً روشن است: دفاع از رهبری و مرجعیت؛ لذا می‌توان گفت، ماهیت این نهضت از ابتدا اسلامی و دینی بوده است؛ اما قیام ۱۹ دی، هویت این پدیده را بیش از همه آشکار ساخته است و نه‌تنها در آشکارسازی هویت اصلی انقلاب، مؤثر بوده؛ بلکه در جهت‌دادن قیام‌ها و اعتراضات بعدی نیز، تأثیرات عمیق داشته است.

قیام مذکور در جهت دادن به اهداف و ماهیت انقلاب سهم به‌سزایی داشت. تحلیل نیکی‌کدی، مبین همین دیدگاه است: «مقاله روزنامه اطلاعات در حمله به آیت‌الله خمینی و متعاقب آن، حوادث قم در ژانویه ۱۹۷۸ (دی ۱۳۵۶) را می‌توان نقطه عطفی دانست که در آن، بخش اعظم ابتکار عملی در نهضت ایران از دست نیروهای غیرمذهبی، با نامه‌های گشاده، اعتراضیه‌ها، سازمان‌ها و شب‌های شعر سیاسی آن‌ها، خارج و به دست مخالفان مذهبی افتاد. حتی اگر مقامات مسئول ایران، شعور این را داشتند که این اتهامات را به آیت‌الله خمینی وارد نسازند، باز هم حرکتی که به رهبری روحانیون آغاز شده بود، رهبری نیروهای مخالف شاه را در دست می‌گرفت. مخالفان مذهبی در مقایسه با لیبرال‌های غیرمذهبی، گروه بسیار بیشتری از مردم را به دنبال خود می‌کشاندند و در هرگونه اعتراضی و قیام همگانی، مطمئناً این خیل عظیم از مردم، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و گوش به حرف رهبرانی که بیش از همه مورد اعتماد آنان بودند- یعنی روحانیت- می‌داد.»

• ۳. وحشت رژیم از انقلاب رو به گسترش اسلامی

محمدرضا پهلوی از مبارزات و مخالفت‌های برخی از محافل و گروه‌های سیاسی و فرهنگی نه‌تنها واهمه نداشت؛ بلکه از آن برای اثبات ادعای دروغین فضای باز سیاسی و خودنمایی بین‌المللی بهره می‌جست. به‌ویژه خواسته‌ها و اعتراضاتی که اغلب شبیه خواسته‌ها و اعتراضات حزب رستاخیز بود. علاوه بر آن، مبارزات جدی مجامع و مراکز غیرمذهبی، محمدرضا پهلوی را دچار تشویش و هیجان نمی‌کرد؛ زیرا مطمئن بود که این گروه‌ها قادر نخواهند بود، عموم مردم را با خود همراه سازند و انقلاب فراگیر و ویرانگری به‌پا کنند.

این در حالی بود که دولت، در خلال سالیان متمادی، تا حدود زیادی در سرکوب مخالفین غیرمذهبی، موفق شده بود و توانست، آنان را کنترل و اداره کند. این تنها مخالفان مذهبی بودند که کمتر قابل کنترل و اداره و یا غیرقابل کنترل بودند. وحشت رژیم از همین‌جا ناشی می‌شد. در واقعه ۱۹ دی که حرمت مرجعیت و شأن والای رهبری مورد هجوم رژیم قرار گرفته بود، حریم امنیتی رژیم مخدوش شد و ابهت محمدرضا پهلوی متزلزل گردید.

مقاله‌ای که روحانیت مخالف رژیم را «ارتجاع سیاه» نامیده و آن را به همکاری پنهان با کمونیسم بین‌المللی برای محو دستاوردهای انقلاب سفید شاه متهم کرد و امام را به‌عنوان «قشری‌ترین و مرتجع‌ترین عواملی استعمار» و «مناسب‌ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران» معرفی کرده بود، زمینه را برای تعمیم انقلاب اسلامی و بسط خواسته‌ها و اعتراضات مردمی فراهم ساخت. محمدرضا پهلوی از محل پرتاب «موشک تهمت» آسیب دید. موج انفجار و خشم ملت، محمدرضا پهلوی را هراسان و منفعل گرداند. سرکوب خونین قیام ۱۹ دی، ناشی از هراس و وحشت شاه بود.

لذا یکی از پیامدها و نتایج درخشان قیام ۱۹ دی، وحشت رژیم از تشدید قیام و بسط نفوذ امام بود؛ یعنی با قیام ۱۹ دی، رژیم دریافت که نیروهای مذهبی به رهبری روحانیت مبارز و آگاه و هدایت‌های بی‌وقفه امام خمینی ﷺ - که در تبعید هم دست از مبارزه برنمی‌داشتند- خطر اصلی و بنیان‌کن است. بدین طریق به مقابله خشن و قهرآمیز با آن روی آورد و همین مشی و سیاست، ارکان رژیم پهلوی را که از مشروعیت و مقبولیت برخوردار نبود، سست و ویران کرد.

سیاست و روشی که دروغین و توخالی‌بودن شعار استراتژیک و مقطعی حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی شاه را برملا ساخت.

• ۴. آشکارشدن دروغین‌بودن شعارهای حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی رژیم

اغلب آگاهان سیاسی، سخنان غلوآمیز و حیرت‌انگیز کارتر در وصف محمدرضا پهلوی و ایران و اعلان پشتیبانی تسلیحاتی و سیاسی از ایران، توسط آمریکا را باعث قوت قلب محمدرضا پهلوی و تجهیز و تشجیع وی برای سرکوب‌های جدید مخالفان رژیم تلقی می‌کنند؛ کما اینکه نوشتن مقاله ۱۷ دی ۵۶ را ناشی از همین مسأله می‌دانند. همان‌طوری‌که فقط ۶ روز پس از مراجعت کارتر از ایران به آمریکا، دستور نوشتن مقاله علیه امام خمینی ﷺ توسط محمدرضا پهلوی صادر می‌شود و در روزنامه اطلاعات درج می‌گردد.

آیا نمی‌توان رابطه‌ای میان اظهارات کارتر و دستور محمدرضا پهلوی برقرار کرد؟ اگر محمدرضا پهلوی مطمئن نبود و از حمایت آمریکا برخوردار نمی‌شد، تن به این کار وحشتناک نمی‌داد. بدین‌ترتیب، مقاله توهین‌آمیز، سازش میان محمدرضا پهلوی و کارتر و ماهیت دروغین انتقادات ظاهری سران آمریکا، از جو سیاسی ایران را آشکار ساخت.

آنگاه که قیام عمومی مردم شکل گرفت و رژیم را به وحشت انداخت و سرکوب خونین را آغاز کرد، به‌خوبی نمایان شد که همه آنچه را که محمدرضا پهلوی و کارتر و حامیان غربی محمدرضا بر زبان جاری می‌کردند، برای اغفال مردم صورت گرفت. حمایت‌های بعدی آمریکا از رژیم پهلوی و توطئه‌های فراوان آنان علیه انقلاب اسلامی تا مدت‌ها پس از پیروزی انقلاب و نیز تاکنون، همگی مبین این نکته است که نه محمدرضا پهلوی و نه سران جدید آمریکا (دموکرات‌ها) هیچ اعتقادی به آزادی مردم، دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش نداشتند.

می‌توان گفت، قیام ۱۹ دی، ماهیت دروغین حقوق بشر آمریکا را افشاء کرد و علاوه بر این، آشکارکردن ماهیت کذایی رژیم، محصول مستقیم قیام ۱۹ دی ۵۶ قم بود. با چنین آثاری، پیامد بعدی قیام آشکار می‌شود و آن نفوذ و محبوبیت گسترده امام خمینی ﷺ است که به‌عنوان پیامد پنجم تشریح می‌شود.

• ۵. بسط نفوذ و محبوبیت امام خمینی ﷺ

نفوذ و اقتدار امام خمینی ﷺ ناشی از سه منشأ مشروعیت بود: یکی مشروعیت کاریزماتیک با بهره‌های معنوی و عرفانی؛ دیگر مشروعیت سنتی به‌لحاظ کسوت فقه و فقاهت و سوم مشروعیت قانونی که به رابطه رهبر و ولی با مردم برمی‌گردد. هیچ‌کدام از علما و مراجع تا این حد، از اعتبار و مقبولیت برخوردار نبودند.

ویژگی اصلی امام این بود که سخت به نظریه «انقلاب» و براندازی رژیم اعتقاد داشتند. گفتمان مبارزه امام، به‌تبعیت همین عقیده، مورد استقبال قرار گرفت. پس می‌توان گفت که امام از نفوذ و محبوبیت بالایی برخوردار بود. دلیل اصلی این وضعیت، راهی بود که امام خمینی برگزیدند؛ یعنی راه انقلاب، راه مبارزه و راه تأسیس یک حکومت مبتنی بر ضوابط اسلامی و متکی به آرای ملت در همه زمینه‌ها.

مبارزات بی‌وقفه امام در نجف، نتیجه خود را در ۱۹ دی گرفت. پس از آن به‌مدت یکسال و اندی، کارزار امام و مردم با رژیم وارد مرحله تازه‌ای شد. نام امام که با شهادت سیدمصطفی، در جای جای ایران بر زبان‌ها افتاده و با گوش‌ها آشناتر شده بود، در قیام ۱۹ دی و حوادث پس از آن، لحظه به لحظه سراسر ایران را فراگرفت. نفوذ و محبوبیت و نقش سازنده امام، بیشترین سهم را در پیروزی انقلاب اسلامی داشت؛ یعنی اگر امام نبودند، هرگز قیامی به این گستردگی به وجود نمی‌آمد و یا پیروز نمی‌شد. مردم که به پشتیبانی از امام و مبارزه انقلابی او پرداختند تا رژیم را ساقط کنند، با «استراتژی سه‌وجهی» رژیم مواجه شدند.

اگر هدایت‌ها و نظرات پیامبرگونه امام نبود، رژیم به اهداف خود می‌رسید. چه کسی جز امام می‌توانست، به مقابله با استراتژی سه‌وجهی رژیم بپردازد؟ وجه نخست استراتژی مذکور این بود که رهبران مخالفان مذهبی و غیرمذهبی را با برخورد فیزیکی مرعوب سازد. وجه دوم اینکه مردم را به‌شدت سرکوب کند و وجهه سوم اینکه میان نیروهای سیاسی (مذهبی‌ها ـ غیرمذهبی‌ها و ملیّون مذهبی) تفرقه و تنش به وجود آورد. نقش امام در مقابله با استراتژی مذکور، بسیار مهم و کارساز بوده است و البته قیام ۱۹ دی، این نقش و هدایت را تمهید و تسهیل ساخت.

• ۶. شکست متحجرین و مروجان نظریه جدایی دین از سیاست

امام خمینی ﷺ علاوه بر مبارزه سخت و جانکاه با رژیم پهلوی، به مبارزه با مروجان جدایی دین از سیاست و مقدس‌مآبان درون حوزه نیز می‌پرداختند. از آغاز قیام ۱۵ خرداد ۴۲، این جریان رو در روی امام قرار گرفت و امام از همان تاریخ، مبارزه دوگانه‌ای را با رژیم و این جریان خطرناک آغاز نمودند. مبارزه با رژیم در ۲۲ بهمن ۵۷ پایان پذیرفت و نظام جمهوری اسلامی، جای‌گزین رژیم پهلوی گردید؛ اما مبارزه با جریان تحجر و مقدس‌مآب، تا پایان عمر امام ادامه یافت.

شدیدترین حمله افشاگرانه امام به این جریان، به سوم اسفند سال ۱۳۶۷ باز می‌گردد که در این روز، پیام تاریخی ایشان خطاب به مراجع اسلام و روحانیون سراسر کشور (منشور روحانیت) در مورد استراتژی آینده انقلاب و حکومت اسلامی صادر شد. امام در این پیام بسیار مهم، ضمن افشای ماهیت و ضربه‌های این جریان بر پیکر اسلام، مسلمین و انقلاب اسلامی، تصریح نمودند که «پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است.» و به طلاب هشدار دادند که «لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش‌خط‌وخال کوتاهی نکنند.»

از قیام ۱۵ خرداد به بعد این جریان در برابر انقلابیون قد علم کرد. نه‌تنها در برابر رژیم سکوت می‌کرد؛ بلکه بر سر راه مبارزان به‌ویژه امام ﷺ سد ایجاد می‌کرد و با انواع تهمت‌ها و دروغ‌ها به مقابله با انقلابیون می‌پرداخت.

قیام ۱۹ دی، کاری‌ترین ضربه را بر پیکر این جریان زد؛ زیرا این جریان در تلاش بود که امام، محور امت قرار نگیرد؛ نام امام بر زبان‌ها جاری نشود؛ امام میدان‌دار نگردد؛ امام مرجع نشود و اینکه اگر امام از ایران دور باشد بهتر است.

یکی از مهم‌ترین اثرات و نتایج قیام ۱۹ دی این بود که جریان تحجر و مقدس‌مآبی را که مردم را از سیاست پرهیز می‌داد و روحانیان سیاسی و شخصی امام را به انواع تهمت‌ها و دروغ‌ها متهم می‌ساخت، رسوا کرد.

• ۷. مردمی و فراگیرترشدن نهضت اسلامی

قیام ۱۹ دی خود، حاکی از مردمی‌بودن نهضت بود؛ اما این قیام نهضت را «مردمی‌تر» کرد. ابعاد نهضت را تعمیم بخشید. دامنه نهضت را بسط داد و دایره انقلاب را وسعت بخشید و حلقه‌های متصله را به هم جوش داد. طلبه با مدرس هم‌دست شد؛ مدرس با علمای برجسته همخوان گردید؛ علمای برجسته با مراجع هم‌آواز شدند؛ همه اینها مردم را به خشم و اعتراض واداشتند و قیام ۱۹ دی رخ داد و این قیام، تهران را با خود همراه کرد؛ شیراز را تکان داد؛ تبریز را به قیام ۲۹ بهمن واداشت؛ اصفهان را به تحرک جدید کشاند؛ مشهد و اهواز و زنجان و قزوین و کاشان هم، با شهیدان ۱۹ دی بیعت کردند و در طول یک‌سال در سراسر کشور، مراسم اربعین، هفتم و سالگرد برگزار شد و این مراسم، با محرم و عاشورا و تاسوعا پیوند می‌خورد.

• ۸. آشکارساختن ماهیت ضد مردمی رژیم پهلوی

یکی دیگر از نتایج مثبت و مؤثر قیام ۱۹ دی قم این بود که ماهیت ضدمردمی پنهان رژیم پهلوی در دو سطح داخلی و بین‌المللی آشکار شد. در قیام ۱۵ خرداد ۴۲، رژیم به سرکوب مردم و روحانیت پرداخت و از سوی هیچ‌یک از کشورهای جهان، حتی شوروی سابق که خود را پرچمدار نظام‌های مردمی و انقلابات جهان سومی می‌دانست، سرزنش و شماتت نشد. سال ۵۴ نیز قیام طلاب مبارز را در مدرسه فیضیه سرکوب و بیش از ۳۰۰ طلبه انقلابی را دستگیر و بازداشت کرد و برخی را به زندان و برخی دیگر را به نظام سربازی برد؛ اینجا نیز چنین شد؛ اما در ۱۹ دی ۵۶، وضعیت کاملاً دگرگون شد. سرکوب مردم و به شهادت‌رساندن عده‌ای از تظاهرکنندگان در این روز، نه‌تنها رعب و وحشت را تقویت نکرد؛ بلکه باعث شد تا مردم سایر شهرهای ایران با شهیدان قیام قم پیمان ببندند.

در ۱۹ دی بعد از اینکه اعتراضات مردم و تجلیل آنان، از مرجع و مقام معنوی و دینی شیعه توسط رژیم با گلوله پاسخ داده شد، ماهیت ضد مردمی رژیم آشکار شد. رویکرد خشن و خون‌بار رژیم، مردم را از رژیم و حامیانش بیزار ساخت. مجامع بین‌المللی هم دریافتند که محمدرضا پهلوی پایگاه مردمی ندارد.

قیام ۱۹ دی، بحران مشروعیت برای رژیم به وجود آورد؛ بحرانی که روزبه‌روز شدیدتر شد و در ۲۲ بهمن ۵۷، ارکان رژیم سلطنتی را از میان برد.

• ۹. قطع امید از احزاب و جمعیت‌های سیاسی

با قیام مردمی ۱۹ دی، مشی مسالمت‌جویانه برخی از مخالفان رژیم که در قالب قانونی فعالیت می‌کردند، به‌شدت زیر سؤال رفت. این گروه‌ها سعی داشتند، با اعتراضات و تجمعات سیاسی و فرهنگی، به برخی از خواسته‌های خود برسند. به‌استناد برخی نوشته‌ها و گفته‌ها، این گروه‌ها اغلب ساخته رژیم و مورد تأیید محمدرضا پهلوی بودند. اعتراضات این‌ها، شبیه اعتراضات ظاهری دو جناح داخل حزب رستاخیز نسبت به هم بود.

از طرفی رژیم می‌کوشید وانمود کند، در ایران فضای باز وجود دارد؛ چراکه این گروه‌ها و جمعیت‌ها به‌راحتی حرف‌ها و خواسته‌های خود را مطرح می‌سازند. به هر حال این نوع فعالیت‌ها چه در وجه مخالفت‌های جدی و واقعی و چه در وجه شاه‌پسندانه آن، با قیام ۱۹ دی و سرکوب خونین آن توسط رژیم، از حیز انتفاع افتاد. هم به‌دلیل اینکه دیگر نمی‌توانستند ادعا کنند، آزادی وجود دارد و هم به این خاطر که دیگر این‌گونه فعالیت‌ها، مورد اقبال عموم قرار نمی‌گرفت. چشم مردم به سوی امام دوخته شده بود؛ ذهن مردم در قیام ۱۹ دی فعال شد و به این نتیجه رسیدند که رژیم، مخالف حقیقی و واقعی خود را برنمی‌تابد؛ درنتیجه بساط آنها جمع شد. حرکت انقلابی امام و مردم و روحانیون مبارز قم و تهران و شهرهای دیگر، هیچ نقطه امیدی برای این گروه‌ها باقی نگذاشت.

• ۱۰. سازماندهی و برنامه‌ریزی‌های نیروهای مذهبی و انقلابی

از آثار و نتایج ارزشمند قیام ۱۹ دی، فعالیت تازه نیروهای مذهبی برای سازماندهی مخالفت‌ها و برنامه‌ریزی‌های زیرکانه راهپیمایی‌ها و اعتصابات بود. از همان آغاز اعتراضات طلاب نسبت به مقاله ۱۷ دی، برخی از فضلای انقلابی که نقش هدایت و راهبری را بر عهده داشتند، برای بسیج مراجع و علمای بزرگ برنامه‌ریزی کردند.

دیدار با مراجع و علما و کسب تکلیف از محضر آنان باعث شد، همه آنها موضعی هماهنگ و حساب‌شده اتخاذ نمایند. گویا از آغاز قیام اسلامی تا این روز، چنین هماهنگی‌هایی پدید نیامده بود. همین فضا، نقش مؤثری در هدایت‌ها و برنامه‌ریزی‌های بعدی داشت.

انقلابیون مذهبی که مدت‌ها قبل چشم انتظار چنین روزهایی بودند، فرصت را غنیمت شمردند و پیام خون شهیدان ۱۹ دی را به جای جای ایران رساندند. فضای غم‌آلود اما امیدبخش ۱۹ دی، بغض‌های چندین‌ساله یاران و پیروان امام را در هم شکست و آنها را مجبور ساخت تا راهی برای بیرون‌رفتن از بحران‌ها بجویند.

نقش علمایی که در استان‌های مختلف حضور داشتند، از این روزها به بعد حیاتی‌تر شده بود. در حقیقت، سیاست سرکوب رژیم در ۱۹ دی ۵۶، هم طلاب حوزه را برانگیخت و هم دانشگاه را به تحرک تازه واداشت و هم مردم متدین و علمای مبارز شهرستان‌ها را مسئول ساخت. برکت این قیام این بود که همه را متقاعد ساخت که باید به چاره‌اندیشی بپردازند. هیچ راهی بهتر از احیای سنت اسلامی شیعه نبوده است.

از شهدای ۱۹ دی، هفتم و چهلم در سراسر کشور، پاس داشته شد. مراسم چهلم شهدای ۱۹ دی قم در تبریز، به قیام مردم منجر شد که توسط رژیم به‌شدت سرکوب شد. مراسم چهلم شهدای قیام ۲۹ بهمن تبریز در یزد برگزار شد که باز توسط رژیم به‌شدت سرکوب شد. مراسم چهلم شهدای یزد در سایر شهرها همچنان ادامه یافت تا اینکه به نتیجه‌نهایی‌اش یعنی سقوط رژیم فاسد و مستبد محمدرضا پهلوی رسید. «استراتژی چهلم‌ها» که به بسیج عمومی و اتحاد مسلمانان کشور منجر شد، ریشه در ۱۹ دی داشت.

منبع: کتاب جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در پیروزی انقلاب اسلامی